

نقش گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای^۱ در سیاست خارجی آمریکا

دکتر سید محمد کاظم سجادیپور^۲

مهدی انصاری^۳

^۱. United Against Nuclear Iran

^۲. استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه smksajjad@yahoo.com
^۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل mahdiansari701@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی نقش گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، به عنوان یک اتاق فکر و لابی سیاسی، در سیاست خارجی آمریکا به نگارش درآمده است. اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی به عنوان یکی از بازیگران غیررسمی، همواره از زمان ظهور خود، به نحوی در سیاست خارجی آمریکا مداخله کرده‌اند. گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، تمرکز خود را بر برنامه هسته‌ای ایران قرار داده است. این مرکز فکری که در سال ۲۰۰۸ توسط "مارک والاس" سفیر سابق ایالات متحده در سازمان ملل متحد در زمان ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، "ریچارد هالبروک" فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و سفیر این کشور در سازمان ملل متحد در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون، "جیم وولزی" رئیس سابق سیا و "دنيس راس" کارشناس مسایل خاورمیانه تاسیس شده، فعالیت داخلی و بین‌المللی ویژه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته است. این مقاله با بهره‌گیری از تئوری سیستمی در نظریه تصمیم‌گیری، به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای از چه ابزارهایی برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا بهره می‌گیرد و نقش این گروه فکری و سیاسی در سیاست خارجی آمریکا، در قبال پرونده هسته‌ای ایران چیست؟ پیوند گروه مذکور با مراکز اصلی قدرت و بازیگران رسمی تأثیرگذار در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا، تعامل با افراد بلندپایه فعال در سیاست خارجی آمریکا و ارتباط با لابی‌های اصلی در آمریکا نمونه فعالیت‌های گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای است که نمایانگر نقش فعال این گروه در عرصه سیاست خارجی آمریکا است.

• واژگان کلیدی

اتاق فکر، لابی سیاسی، گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، سیاست خارجی آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران.

مقدمه

اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی از جمله بازیگران غیررسمی موثر در فرآیند سیاست خارجی آمریکا هستند که از راه‌های مختلف سعی در تاثیرگذاری در تصمیمات سیاسی هستند. در عین حال، برنامه هسته‌ای ایران از جمله موضوعات مهمی است که در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا مورد توجه بازیگران رسمی و غیررسمی قرار گرفته است. در این پژوهش در میان انبوه اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی موثر در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا، تمرکز خود را بر گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای به عنوان یک اتاق فکر و لابی سیاسی مهم در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران معطوف خواهیم داشت و در عین حال در پی پاسخگویی به این سوال هستیم که گروه مذکور چگونه در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران تاثیر می‌گذارد؟ در این چارچوب توجه به تاریخچه شکل‌گیری، اهداف این گروه، اعضا و فعالان آن، منابع مالی و وابستگی‌ها، جایگاه این گروه در میان بازیگران رسمی و غیررسمی موثر در سیاست خارجی آمریکا و نحوه تاثیرگذاری این گروه در این زمینه و نهایتاً ابزارهای مورد استفاده این اتاق فکر و لابی سیاسی در برابر ایران به طور کلی و در قبال برنامه هسته‌ای ایران به صورت خاص مورد توجه قرار خواهد گرفت. بنابر آنچه که در این پژوهش خواهد آمد، فعالیت گروه مذکور نه فقط برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، بلکه مقابله با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌هاست. این مرکز نیز مانند سایر اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی از ابزارهای متنوعی برای تاثیرگذاری در فرآیند تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی آمریکا بهره می‌گیرد. از جمله انتشار پژوهش‌ها و تحقیقات، دعوت از تصمیم‌سازان برای شرکت در کنفرانس‌ها و تحقیقات، کمک به رسانه‌ها از طریق معرفی کارشناسان برای موضوعات روز، گشودن کانال‌های ارتباطی با دولت آمریکا، کار و ارائه نظر داوطلبانه در کمیته‌های کاری سیاسی و تأثیر در افکار عمومی فعالیت‌هایی است که اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی برای تاثیرگذاری در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا از آن بهره می‌گیرند. در همین حال، فعالیت‌های گسترده در عرصه بین‌المللی از سوی این گروه علیه ایران و مراوده با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و تلاش برای ایجاد ممانعت برای فعالیت اقتصادی با ایران با ادعای تهدید هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از جمله دیگر فعالیت‌های این گروه است. همچنین، نگاهی به افراد تاسیس‌کننده این نهاد و اعضای هیات مدیره و مشاوران عالی آن نشان می‌دهد که اغلب این افراد از اعضای بلندپایه اطلاعاتی و افراد ذی‌نفوذ در مراکز تصمیم‌گیرنده آمریکا بوده‌اند. از آنجا که

افراد این نهاد از مقامات سابق دولت‌های مختلف هستند، اثبات‌کننده بکارگیری "دیپلماسی مسیر دوم"^۱ است که در آن مقامات سابق، دانشگاهیان، نویسندگان و محققان، اهداف سازمان اطلاعاتی را پیگیری می‌کنند. به عبارتی، این مرکز فکری و سیاسی همچون سایر اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی، از ظرفیت و توانایی مقامات سابق برای نفوذ و پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. در عین حال، وابستگی مالی این گروه به افراد ذی‌نفوذ آمریکایی و اسرائیلی نیز می‌تواند نمایانگر اهداف اصلی این مرکز فکری باشد.

۱- گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای بعنوان یک اتاق فکر و لابی سیاسی

گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای یک اتاق فکر و لابی سیاسی غیرانتفاعی و غیرحزبی معرفی می‌شود که به بیان خود به دنبال جلوگیری از جاه‌طلبی‌های ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است. این گروه در سال ۲۰۰۸ توسط مارک والاس^۲ سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد در زمان ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، ریچارد هالبروک^۳ فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و سفیر این کشور در سازمان ملل متحد در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون و دنیس راس^۴ کارشناس مسایل خاورمیانه و مشاور ویژه پیشین وزیر امور خارجه آمریکا در امور خلیج فارس در دولت باراک اوباما و جیم وولسی^۵ رئیس سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا تاسیس شد و توسط هیئت مشاوران از جمله کارشناسان و مقامات دولت سابق هدایت می‌شود. در عین حال، تعداد قابل توجهی از شخصیت‌ها و مقامات پیشین کشورهای اروپایی با این سازمان همکاری دارند. آنگونه که این گروه بیان می‌کند این مرکز برای اطمینان از انزوای اقتصادی و دیپلماتیک رژیم ایران و به منظور وادار کردن ایران به رها کردن برنامه‌های غیر قانونی هسته‌ای خود، حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر فعالیت می‌نماید.

در واقع، این گروه به عنوان یک گروه ذی‌نفوذ^۶ است که از کانال‌های مختلفی سعی در تاثیرگذاری در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا دارد. گروه‌های ذی‌نفوذ از راه‌های مختلفی اهداف خود را پیگیری می‌کنند؛ **اول** از طریق قالب‌بندی مسائل و شکل‌دهی به آنها که اغلب از طریق موضوعات مورد بررسی در دولت و کنگره سعی در جهت‌دهی به این مورد را دارند.

^۱. Track II Diplomacy

^۲. Mark D. Wallace

^۳. Richard Holbrooke

^۴. Dennis Ross

^۵. R. James Woolsey

^۶. Interest Group

دوم از طریق ارائه اطلاعات و تحلیل داده‌ها؛ به جهت عدم وجود زمان کافی برای بازیگران رسمی و نمایندگان برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، روی آوردن آنها به اتاق‌های فکر که اطلاعات و تحلیل آنها را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کنند، امری ضروری و غیر قابل انکار است. **سوم** از طریق نظارت بر روند سیاست و در صورت لزوم واکنش در برابر آنها از راه‌های مختلف صورت می‌گیرد؛ از جمله انتشار اطلاعات تکمیلی، پشتیبانی یا مخالفت با نامزدها در انتخابات، درخواست برای دادرسی یا قوانین اضافی و در نهایت نامه‌نگاری‌های گسترده. **چهارم** از طریق اعمال نفوذ در افکار عمومی که دانش کافی برای تحلیل داده‌ها ندارند. این گروه‌ها با بهره‌گیری از پشتوانه افکار عمومی سعی در نفوذ در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی دارند. **پنجم** از طریق پشتیبانی از دولت‌ها و طرح‌های آنها که می‌تواند این گروه‌ها را به عنوان یک گروه طرفدار معرفی کند (Ambrosio, 2002: 11-14).

همانگونه که مک‌گان نیز بیان می‌دارد، بروندادهای اصلی این مراکز در قالب، کتاب، گزارش، کنفرانس، سمینار و نشست‌های رسمی و غیررسمی با حضور مقامات دولتی و اعضای کنگره معرفی می‌شود (MacGann, 2005: 3). گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای نیز به عنوان یک اتاق فکر و در عین حال یک لابی سیاسی معرفی می‌شود که با بکارگیری موارد مذکور در عرصه داخلی نفوذ و تاثیرگذاری فعالیت‌های خود را در عرصه تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا به نمایش می‌گذارد. در عین حال که فعالیت‌های این گروه در عرصه بین‌المللی نیز بسیار چشمگیر بوده و سعی دارد از طریق فشار بر موسسات و شرکت‌های خارجی، آنها را از فعالیت در ایران منع کند. آنها سعی می‌کنند مسئله را شکل دهند و شرایط بحث را ایجاد کرده و اطلاعات و تحلیل‌ها را به نمایندگان منتخب ارائه می‌دهند و فرآیند سیاست را نظارت می‌کنند؛ این اقدامات و تاکتیک‌ها می‌تواند در بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌های مورد نظر در مورد برنامه هسته‌ای ایران و همچنین سیاست خارجی آمریکا مشاهده شود.

گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای مانند سایر اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی با ابزارهای گوناگون سعی در تاثیرگذاری و نفوذ در عرصه تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران داشته است. این گروه در زمینه تدوین و ارائه برخی طرح‌های قانونی، لابی گسترده‌ای با قانون‌گذاران آمریکایی دارد. این لابی، در اکتبر ۲۰۰۹، با همکاری ران کلاین و جان میکا، دو عضو مجلس نمایندگان آمریکا، لایحه پاسخگویی درباره گزینه‌های کسب و کار در ایران را تدوین و به این مجلس ارائه کرد که شرکت‌های طرف تجارت با ایران را از عقد قرارداد با دولت آمریکا محروم

می‌کرد. این لایحه عنوان می‌کرد که شرکت‌هایی که با ایران قرارداد دارند، نمی‌توانند با آمریکا مرادوه اقتصادی داشته باشند. این قانون برای شرکای تجاری مانند نوکیا و زیمنس که با ایران روابط تجاری دارند و همچنین بانک‌های خارجی از جمله کردیت سوئیس اعلام می‌کرد که در صورت مرادوه اقتصادی با ایران از دریافت قراردادهای دولتی و همچنین دریافت کمک مالی فدرال محروم خواهند شد. کلاین در این رابطه اظهار کرده بود: "ما باید برای شرکت‌ها پیام قوی ارسال کنیم که به آن‌ها اجازه نخواهیم داد تا روابط اقتصادی خود با دولت ایران را ادامه بدهند.

روش دیگر این گروه ایجاد کمپین‌های مختلف است که می‌کوشد حتی مرادوات معمول و مسلم ایران را مانع شود. برای مثال، این اتحاد در آوریل ۲۰۱۲ کوشید صندوق بین‌المللی پول را تحت فشار قرار دهد تا رابطه خود را با ایران محدود کند؛ در حالی که این مرادوه، یک موضوع صرفاً اقتصادی کاملاً منطبق بر قانون است و این گونه رفتارها نشان از خصومت عمیق اعضای این گروه با ایران و تلاش برای ایران‌هراسی از طریق نفوذ شدید عوامل اطلاعاتی صهیونیسم در ساختار این گروه است. در عین حال، این سازمان با راه‌اندازی کمپین تحریم‌های خصوصی و طرح‌های قانونی دولتی و فدرال با تمرکز بر پایان دادن به همکاری اقتصادی و مالی شرکت‌های بزرگ با ایران هدف خود را وادار کردن ایران به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود، حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر عنوان کرده است.

در زمینه قانونی، گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای پیشنهاد قوانینی را برای تصویب توسط دولت فدرال و دولت‌های ایالتی ایالات متحده برای جلوگیری از ایران برای مشارکت در تجارت بین‌الملل و بازار مالی جهانی بکار می‌گیرد. بر اساس وب سایت خود، توصیه‌های این گروه در قانون جامع تحریم ایران منسوب به سال ۲۰۱۰ آورده شده است. همچنین، با ارائه لوایحی به اعضای کنگره سعی دارند تا ابزارهایی را علیه ایران بکار گیرند. از جمله لوایح تحریمی این گروه می‌توان به لایحه تحریم انرژی ایران در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد که توسط گروهی از اعضای گروه مذکور تدوین شده بود. این لایحه تحریم‌های نفتی و اقتصادی ایران را عاملی برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد. این گروه به عنوان یک اتاق فکر و لابی سیاسی از ابزارهای ذیل برای پیگیری اهداف خود بهره می‌گیرد:

دعوت از متخصصان و مقامات کنونی و سابق آمریکا و کشورهای هم‌پیمان برای

شرکت در اجلاس‌ها: هر یک از موسسات تحقیقاتی تلاش فراوانی را برای تثبیت موقعیت خود به انجام می‌رساند. گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای هر ساله نشستی را برگزار می‌کند که در آن از

دانشمندان و مقامات فعلی و سابق آمریکا دعوت می‌کند. این گروه از این طریق پیوند نام گروه خود به مقامات بلند پایه و سیاست‌گذاران آمریکایی، خود را در فرآیند تصمیم‌سازی درگیر کرده و به ارتباط تنگاتنگ با این افراد ادامه می‌دهد. بهره‌گیری از این افراد نه تنها در دوران فعالیت آنها به طور رسمی در ساختار تصمیم‌گیری آمریکا، بلکه پس از آن نیز صورت می‌پذیرد. از جمله نشست‌های مهم گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، نشست سال ۲۰۱۸ بود که همزمان با هفتاد و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در نیویورک برگزار شد. برایان هوک، دستیار ویژه وزیر امور خارجه آمریکا در امور ایران، عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان، یوسف العتیه سفیر امارات در واشنگتن، شیخ عبدالله بن راشد بن عبدالله آل خلیفه سفیر بحرین در آمریکا، مایکل سینگ پژوهشگر ارشد اندیشکده واشنگتن، رادک سیکورسکی وزیر خارجه سابق لهستان، نورمن رول، مدیر سابق امور ایران در دستگاه اطلاعات ملی آمریکا، جوزف لیبرمن رئیس گروه، لوسیندا کریتون وزیر سابق امور اروپایی ایرلند و مارک والاس مدیر عامل گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در این نشست شرکت کردند.

ارتباط با رسانه‌ها برای تاثیر بر افکار عمومی: رسانه‌های جمعی نقش مهمی را در صحنه تصمیم‌سازی در آمریکا ایفا می‌کنند؛ این مراکز به چهار طریق، تصمیم‌سازی دولت را متاثر می‌سازند: **اول؛** واقعیت‌سازی. **دوم؛** عمل به عنوان نماینده افکار عمومی. **سوم؛** توجه به برخی موضوعات خاص و تمرکز ویژه روی آنها و **نهایتاً** عمل به عنوان واسطه میان نهادهای مختلف دولت. بگونه‌ای که می‌توان اظهار داشت برخی از رخدادهای مهم در تاریخ آمریکا، در نتیجه جوسازی‌ها و هدایت افکار عمومی از سوی این مراکز، مسیر متفاوتی به خود گرفته است. مسئله هسته‌ای ایران از جمله مواردی است که این مراکز تاثیر بسزایی بر ذهنیت راجع به آن داشته‌اند. در این راستا، یکی از ابزارهای مهمی که اتاق‌های فکر برای نشر اندیشه‌های خود و ترغیب افکار عمومی از آن بهره می‌گیرند، رسانه‌های جمعی هستند. این مراکز بیشترین تاثیر خود را در مراحل ابتدایی فرآیند تصمیم‌سازی دارند.

به عبارتی، این مراکز با انتشار اخبار خود در مورد یک موضوع، پیش از آنکه در رابطه با آن موضوع تصمیم‌گیری شود، بر روی نحوه چارچوب بندی دستور کار مسئولان موثر هستند. سیاست‌گذاران نیز برای درک گرایش افکار عمومی نسبت به یک سیاست، اغلب به این مراکز رجوع می‌کنند. آنها برای دست یابی به اهداف مد نظر خود از این ابزار برای مشروعیت‌سازی و ایجاد

مقبولیت نسبت به یک تصمیم و ایجاد تفکر همراه بهره می‌گیرند (عبداله خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۶۰). بسیاری از مراکز فکری از پژوهشگران برای نوشتن در روزنامه‌ها، نشریات و مجلات سیاسی و عمومی دعوت می‌کنند و پژوهش‌های مختصر و مقاله‌هایی را برای روزنامه‌های بزرگ می‌فرستند تا منتشر شوند که این کار مراکز فکری را به عامه مردم می‌شناساند (Oswald, 2009: 399-400).

در این میان، گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای نیز با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی اهداف مورد نظر خود را پیگیری می‌کند. از جمله اینکه در ژوئن ۲۰۰۹، این گروه کمپین تبلیغاتی تلویزیونی را آغاز کرد. اولین آگهی تحت عنوان "مشت بازپس‌گیری" از ایالات متحده خواست تا فشار اقتصادی بر ایران را به منظور جلوگیری از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، منتشر کند. سفیر والاس در رابطه با تجارت با ایران گفت: "او (مقصود باراک اوباما) یک مشت توخالی را ارائه کرد". در روز ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹، این گروه آگهی تلویزیونی دوم خود، "دست‌های بسته ایران" را منتشر نمود که قرار بود برای چندین هفته پخش شود. سعی در برسازی امنیتی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و نشان دادن ایران به عنوان یک تهدید جهانی کاملاً در اندیشه‌های منتشر شده در رسانه‌ها از سوی این گروه نمایان است.

کار و ارائه نظر داوطلبانه در کمیته‌های کاری سیاسی: بسیاری از موسسات فکری آمریکا، پژوهشگران خود را به عنوان کارشناسان مطرح درباره موضوعات خاصی به کمیته‌های کاری و جلسات تبادل نظر و تحقیق در مجالس سنا و نمایندگان آمریکا معرفی می‌کنند. در این رابطه، پیش زمینه شخصیتی افراد مذکور نیز در نظرات آنها آشکار می‌شود. در عین اینکه وابستگی مالی گروه‌های فکری موجب می‌شود آنها نظرات خود را بگونه‌ای ترسیم کنند که همراه با حمایت‌کنندگان نیز باشد. ارائه برخی لوایح به بهانه برنامه هسته‌ای ایران به نمایندگان کنگره برای طرح در مجالس از جمله فعالیت‌های گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای است. حمایت‌های این گروه از برخی لوایح تحریمی می‌تواند نشان از تمایل این گروه به تحریم علیه ایران باشد. از جمله می‌توان به دفاع این گروه از لایحه تحریمی علیه ایران، روسیه و کره شمالی اشاره کرد که در ۲۸ جولای ۲۰۱۷ بوقوع پیوست.

ارتباط با لابی‌های تاثیرگذار: یکی از راه‌های نفوذ بیشتر گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، تلاش برای تداوم ارتباط با لابی‌های قومی و مذهبی از جمله لابی صهیونیسم است. ارتباط گروه مذکور با لابی ایپک به دلیل وابستگی‌های مالی تبیین می‌شود. در عین حال که این گروه دقیقاً همان اهدافی را دنبال می‌کند که لابی ایپک در پی آن است. اغلب افرادی که به عنوان مشاور در

این گروه فعالیت می‌کنند، ارتباط نزدیکی با لابی ایپک داشته و در راستای منافع اسرائیل فعالیت می‌کنند. توماس کاپلان^۱ و شلدون آدلسون^۲ و همسرش میرام^۳ که روابط نزدیکی با اسرائیل دارند به عنوان حامیان مالی این گروه معرفی می‌شوند. هر چند کمک‌های مالی به این گروه اغلب به صورت محرمانه باقی می‌ماند.

رویکرد حزبی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در پژوهش‌های راهبردی: مرکز فکری و سیاسی اتحاد علیه ایران هسته‌ای دارای رویکرد حزبی است. به عبارت دیگر، افرادی که در این مرکز فعالیت دارند، دارای گرایش حزبی نومحافظه‌کار هستند. به عنوان نمونه، آنگونه که در ساختار گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در ادامه مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم، افرادی چون مارک والاس، جوزف لیبرمن، دیوید ایپسن به عنوان هیئت مدیره این اتاق فکر به جناح نومحافظه‌کار و مخالف ایران نزدیک هستند. گزارش‌ها و رویکردهایی که افراد این گروه فکری و سیاسی تنظیم می‌کنند، برنامه هسته‌ای ایران را در تضاد با امنیت ملی آمریکا می‌بینند. از این‌رو، رویکرد پژوهشگران در تنظیم و چاپ آثار اغلب با جهت‌گیری راست افراطی هماهنگ است. رویکردی که می‌تواند به گونه‌ای ارتباط این گروه را با اسرائیل و تامین‌کنندگان مالی آن‌ها نیز هماهنگ نماید (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۳: ۵۷).

هر چند گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای دارای رویکردی غیرانتفاعی است، اما ارتباط موثری با نهادهای رسمی تصمیم‌گیری در آمریکا دارد. بسیاری از کارگزاران پژوهشی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در زمره مدیران اجرایی و اساتید دانشگاه هستند. نگاهی به ساختار گروه مذکور نشان می‌دهد که وجود چنین سطحی از ارتباط با مقامات دولت آمریکا، زمینه‌های لازم را برای ارتقای جایگاه گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای فراهم می‌سازد. این مرکز فکری و سیاسی، نقش واسطه را بین حوزه اجرایی و همچنین مجموعه‌های پژوهشی غیردولتی عهده‌دار است. چرا که بسیاری از کارشناسان این گروه به طور همزمان در اندیشکده‌های دیگر نیز فعالیت می‌کنند. از جمله ریچارد هالبروک که عضو هیئت مدیره شورای روابط خارجی در نیویورک بود و قبلاً در هیئت مشورتی شبکه امنیت ملی خدمت کرد، در عین حال به عنوان یکی از مشاورین اصلی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای نیز فعال بود. معرفی جان بولتون^۴ و مایک پمپئو به عنوان هیئت مشاورین در این گروه، نشان از ارتباط قوی این مرکز با نهادهای رسمی دارد.

^۱ Thomas Kaplan

^۲ Sheldon Adelson

^۳ Miriam

^۴ John R. Bolton

۲- ساختار گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای

یکی از راه‌هایی که می‌تواند در تبیین فعالیت‌های مراکز فکری مورد بهره‌برداری قرار گیرد، آشنایی با ساختار و نیروهای فعال در آن‌ها است. نگاهی به افراد تاسیس‌کننده این نهاد و اعضای هیات مدیره و مشاوران عالی آن نشان می‌دهد که اغلب این افراد از اعضای بلند مرتبه اطلاعاتی و افراد ذی‌نفوذ در مراکز تصمیم‌گیرنده آمریکا بوده و از افرادی هستند که روابط محکمی با رژیم اسرائیل داشته و برخی از این افراد یهودی بوده و کاملاً در خدمت اسرائیل قرار دارند و ارتباطات قوی خود از طریق موسسات و مراکزی که هم اکنون در آن مشغول هستند را حفظ کرده‌اند. همچنین، از آنجا که افراد این نهاد از مقامات سابق دولتهای مختلف هستند، اثبات‌کننده بکارگیری دیپلماسی مسیر دوم است که در آن مقامات سابق، دانشگاهیان، نویسندگان اهداف سازمان اطلاعاتی را پیگیری می‌کنند و از ظرفیت و توانایی مقامات سابق برای نفوذ و پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. هسته مرکزی این گروه به همراه هیئت مشاوران ترکیب اصلی مرکز فکری فوق را تشکیل می‌دهند.

درعین حال، نگاهی به سایر اعضای این اتاق فکر و لابی سیاسی فعالیت موثر این گروه در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا را بهتر نمایان می‌کند. این گروه نه تنها از نیروهای موثر در فرآیند تصمیم‌سازی در عرصه داخلی بهره می‌گیرد، بلکه درصدد است از طریق بکارگیری نیروهای بین‌المللی نزدیک به آمریکا نیز در تولید محتوا بهره بگیرد. گری سیمور رئیس سابق گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای و هماهنگ‌کننده سابق کاخ سفید برای کنترل تسلیحات و مبارزه با موادمخدر در دوران باراک اوباما، دنیس راس^۱ یکی از مؤسسين گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای و معاون سابق رئیس‌جمهور اوباما و مدیر ارشد منطقه آسیای میانه و به عنوان یکی از اعضای شورای امنیت ملی ایالات متحده، جان بولتون سفیر سابق ایالات متحده در سازمان ملل متحد و مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، جولین ترزی^۲ وزیر امور خارجه سابق ایتالیا، رادوسواف سیکورسکی^۳ به عنوان وزیر دفاع و وزیر امور خارجه سابق لهستان، اگوست هانینگ^۴ به عنوان مدیر سابق سرویس اطلاعاتی فدرال آلمان، تامیر پردو^۵ به عنوان مدیر سابق موساد اسرائیل، سیر گرائم لامب^۵ مدیر سابق نیروهای ویژه انگلیس و فرمانده ارتش بریتانیا، اولی‌هائونن قائم مقام سابق دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رئیس سابق بازرسان آژانس

^۱ Giulio Terzi di Sant'Agata

^۲ Radoslaw Tomasz Sikorski

^۳ August Hanning

^۴ Tamir Pardo

^۵ Gram Lamb

بین‌المللی انرژی اتمی، والتر راسل مید^۱ تحلیل‌گر آمریکایی و هنری کیسینجر عضو ارشد سیاست خارجی ایالات متحده در شورای روابط خارجی، هنری سوکولسکی^۲ مدیر اجرایی مرکز آموزش سیاست عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، فرانسیس تاونزند^۳ مشاور سابق امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا جورج دبلیو بوش، گراهام آلیسون دانشمند و استاد دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه‌هاروارد، کریستن سیلوربرگ به عنوان سفیر سابق آمریکا در اتحادیه اروپا و دستیار وزیر خارجه در امور سازمان‌های بین‌المللی و فواد عجمی (متوفی) به عنوان عضو ارشد موسسه هوور دانشگاه استنفورد از جمله افراد مطرح فعال به عنوان مشاورین گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در این مرکز فعالیت دارند. با حضور چنین افرادی که در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی و داخلی آمریکا دارای جایگاه ویژه‌ای هستند، این نکته کاملاً آشکار می‌شود که گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای با بکارگیری هیئت مشاوران عالی رتبه در نهاد خود، نفوذ خود را در تصمیم‌سازی‌ها استوار ساخته است.

رهبران ارشد گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای: مارک والاس^۴ در حال حاضر به عنوان مدیر عامل گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای فعالیت می‌کند. وی در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش در چندین پست حضور داشت؛ از جمله به عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل برای مدیریت و اصلاحات سازمان ملل بعد از تایید کنگره در سال ۲۰۰۶ ابقا شد. وی به عنوان عضو فعال کمپین انتخاباتی جرج دبلیو بوش در دوره ریاست جمهوری حضور داشت.

جوزف لیبرمن^۵ به عنوان رئیس گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای است. وی هرچند رسماً به حزب دموکرات آمریکا وابسته بود، اما به محافظه‌کاری در امور سیاست خارجی شهرت دارد. لیبرمن به مدت ۲۴ سال عضو مجلس سنا از کانکتیکات بود و در پایان خدمت خود در ژانویه ۲۰۱۳، رئیس کمیته امنیت داخلی و دولت و عضو ارشد کمیته خدمات مسلح شد و قبل از انتخاب به مجلس سنا در سال ۱۹۸۸، ۱۰ سال در مجلس سنای ایالت کانکتیکات و ۶ سال به عنوان دادستان کل کانکتیکات خدمت کرد. در سال ۲۰۰۰ وی کاندیدای دموکرات برای معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده بود. تاکتیک‌های اوباما برای پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران موثر نبوده است. وی خواستار فشار بیشتر بر ایران بوده و معتقد است که در صورت لزوم باید گزینه نظامی را هم در نظر

1. Walter Russell Mead

2. Henry Sokolsky

3. Frances Townsend

9. Mark Wallace

10. Joseph I. Lieberman

داشت. وی در مقاله‌ای که به همراه مارک والاس نگاشته است "از سیاست "حداکثر فشار" دولت ترامپ علیه ایران، از جمله تعیین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی و از بین بردن تحریم‌های مربوط به خرید نفت ایران حمایت کرده است. آنها همانطور که بیان می‌کنند، می‌توان کارهای بیشتری انجام داد. این بدان معنی است که "شکاف‌های تحریم‌ها را به ستون‌های مهم اقتصاد وابسته به صادرات ایران از جمله مورد پتروشیمی وصل کنید." وی خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک را به عنوان راهی برای فشار بیشتر بر اقتصاد ایران دانسته بود (Foxnews, 2018: 1).

دیوید ایبسن^۱ به عنوان مدیر اجرایی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای و همچنین مدیر اجرایی پروژه ضد افراط‌گرایی است. پیش از این، ایبسن به عنوان تحلیلگر سیاست برای وزارت امور خارجه ایالات متحده و به عنوان نماینده ایالات متحده در سازمان ملل خدمت کرده است. پیش از سازمان ملل متحد، وی به عنوان مشاور صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) فعالیت می‌کرد.

هیئت مشاوران: ریچارد هالبروک^۲ سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ و نماینده ویژه آمریکا در افغانستان و پاکستان بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ و به عنوان یکی از موسسان اصلی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای بود. وی عضو هیئت مدیره شورای روابط خارجی در نیویورک بود و قبلاً در هیئت مشورتی شبکه امنیت ملی خدمت کرد و همچنین عضو موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، کمیته شهروندان شهر نیویورک و باشگاه اقتصادی نیویورک بود. هر چند وی در سال ۲۰۱۰ از دنیا رفت، ولی به عنوان یکی از اعضای اصلی تاثیرگذار گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای معرفی می‌شد. هالبروک برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان عامل بی‌ثباتی دانسته و راهبرد تحریم و فشار حداکثری را به عنوان راهکاری برای مقابله با آن می‌دانست. وی به همراه سه تن از اعضای اصلی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در مقاله‌ای با عنوان "هر کسی درباره ایران نگران است"، برنامه هسته‌ای ایران را غیرمتعارف و خارج از قواعد کنترل تسلیحات دانسته است. در عین حال بیان می‌کند که عدم تمایل ایران برای بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز نشانگر برنامه پنهان ایران در این زمینه است. دلیل اصلی تشکیل گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای را وجود تهدیدات هسته‌ای از سوی ایران و غیرقابل پذیرش اعلام کردن آن بیان

¹ David Ibsen

² Richard Holbrooke

می‌کند (Halbrook and others, 2008: 3). بیشتر توجه هالبروک با توجه به حوزه فعالیت‌های آن روی ارتباط ایران با کشورهای همجوار به ویژه افغانستان و پاکستان است. وی در کتاب خود بیان می‌کند: آمریکا با همکاری مشترک ایران با طالبان در افغانستان مخالف است. به عبارتی اگر طالبان بتواند به اهداف خود برای همکاری با ایران دست یابد، قابلیت‌های آن نیز برای عملیات‌ها افزایش خواهد یافت. به همین دلیل به دنیس راس نماینده ویژه اوباما در خلیج فارس مأموریت جداسازی ایران از طالبان داده شد (Hollbrook, 2003: 52).

جان بولتون که به عنوان بیست و هفتمین مشاور امنیت ملی آمریکا فعالیت می‌کرد، یکی از موسسین اصلی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای شناخته شده و به عنوان یکی از مبارزین اصلی سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم معرفی می‌شود. در کنار این عضویت، وی همچنین با اندیشکده‌های محافظه‌کار بسیاری چون انجمن ملی سلاح^۱، پروژه‌های برای قرن آمریکایی جدید^۲، بنیاد یهودی امور امنیت ملی^۳ و چندین نهاد نومحافظه‌کار دیگر همکاری داشته است. وی در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ در مقام معاون وزیر امور خارجه در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل بود. در میان سال‌های ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۰۶ به عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل مشغول فعالیت بود. این انتخاب بدون رای اعتماد از کنگره آمریکا صورت گرفت. چرا که دیدگاه‌های افراطی وی امکان دریافت رای اعتماد از سنای آمریکا را منتفی می‌کرد. نگرش وی نسبت به سیاست‌های باراک اوباما و نگاه وی به امنیت ملی آمریکا در کتاب وی با عنوان "چگونه باراک اوباما امنیت ملی ما را به خطر می‌اندازد" بیان شده است (Bolton, 2010). وی بارها خواهان پایان دادن به برنامه جامع اقدام مشترک با ایران شده بود. بولتون توافق هسته‌ای را صرفاً به نفع ایران دانسته و آن را تهدیدی علیه امنیت ملی آمریکا معرفی می‌کند و در عین حال از مدافعان تحریم و برخورد سخت علیه جمهوری اسلامی ایران است. وی در مصاحبه خود با شبکه فاکس نیوز، راه توقف برنامه هسته‌ای ایران را، بمباران این کشور اعلام کرد^۴ (Daou, 2019: 1). وی مقالاتی چون "آقای اوباما، ایران تهدید است نه اسرائیل" و خطرپذیری امنیتی با ترسویی اوباما سازگار نیست" منتشر کرد که محور اصلی آن‌ها ضرورت مقابله با ایران را نشان می‌دهد (Bolton, 2012). در شدیدترین دیدگاه‌ها، وی تاثیر تحریم‌ها را ناچیز دانسته و خواستار حمله مستقیم نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران شده

¹. National Rifle Association

². Project for a New American Century

³. Jewish Institute for National Security Affairs

⁴. To Stop Iran's Bomb, Bomb Iran

است. وی نتیجه افزایش تحریم‌ها را ایران متقاعد شده برای مذاکره توصیف می‌کند که این مسئله خود موجب تجارت پرسود برای ایران خواهد شد و ایران را در موقعیتی شبیه به کره شمالی قرار خواهد داد (Bolton, 2012).

جکی والکات^۱ از دسامبر ۲۰۰۳ تا فوریه ۲۰۰۶ به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و سفیر و نماینده دائم آمریکا در کنفرانس خلع سلاح در ژنو و به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بود. پیش از این، وی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ به عنوان دستیار معاون وزیر امور خارجه در دفتر امور بین الملل سازمان، با مسئولیت گسترده‌ای برای توسعه سیاست خارجی و مذاکرات چند جانبه در سیستم سازمان ملل متحد فعالیت داشت. وی از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ به عنوان معاون وزیر امور خارجه در همین دفتر فعالیت داشته است. همچنین، والکات به عنوان نماینده آمریکا در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی است که علت خروج آمریکا از برجام را عدم شفاف‌سازی و برنامه موشک‌های بالستیک ایران اعلام می‌کند. تلاش برای برگزاری جلسات اضطراری درباره برنامه هسته‌ای ایران و خطر تهدید هسته‌ای از جمله اقدامات وی در قبال برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد.

مئیر داگان^۲ در سال ۲۰۰۲ توسط آریل شارون، نخست وزیر وقت اسرائیل، به عنوان مدیرکل موساد منصوب شد. طی هشت سال ذیل رهبری داگان، موساد به یکی از مهمترین سازمان‌های اطلاعاتی-عملیاتی در تاریخ کشور اسرائیل تبدیل شد. رویکرد استراتژیک، رهبری و مهارت‌های عملیاتی و ذهنیت منحصر به فرد داگان، او را به یکی از برجسته‌ترین مدیران موساد تبدیل کرده بود. وی به عنوان رئیس سابق سازمان اطلاعاتی خارجی اسرائیل، مخالف حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران بود و راهکار مقابله با جمهوری اسلامی ایران را حمایت از جنبش دموکراسی خواهانه دانشجویی و گروه‌های قومی معرفی می‌کند (Druckman, Eichner and Blumenthal, 2016: 1).

گری سیمور^۳ رئیس سابق گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ بوده و در شرایط فعلی به عنوان عضو مشاور در این مرکز فکری و سیاسی در حال فعالیت است. وی به عنوان هماهنگ کننده سابق کاخ سفید برای کنترل تسلیحات و مبارزه با مواد مخدر در دوران اوباما

1. Jackie Wolcott

2. Meir Dagan

3. Garry Samor

بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ فعالیت می‌کرد. وی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ میلادی به عنوان دستیار ویژه کلینتون و مدیر ارشد کنترل منع گسترش و صادرات اسلحه در شورای امنیت ملی این کشور خدمت کرده است. وی بیش از سه دهه از عمر خود را صرف مسایل هسته‌ای کرده و بابت این امر نیز مدال افتخار وزارت دفاع را بواسطه نقش سازنده خود در توافق هسته‌ای آمریکا با کره جنوبی در ۱۹۹۴ دریافت کرده است. سیمور در سال ۲۰۰۸ برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی را به عنوان مهمترین چالش‌های سیاست خارجی اوباما مطرح کرد. وی به عنوان مدافع راهبرد دیپلماسی مرحله‌ای معتقد است برای نیل به توافق راهبردی باید سازوکارهای مختلف دیپلماسی تهدید و همکاری را مورد توجه قرار داد (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۳: ۲۳۸). گفته می‌شود وی یکی از طراحان اصلی سیاست "چماق و هویج" آمریکا در قبال مساله هسته‌ای ایران است. در عین حال، وی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را به عنوان ابزاری برای متقاعد کردن رهبران ایران برای محدودسازی برنامه هسته‌ای خود مورد تاکید قرار داده است. وی در سخنرانی خود در سال ۲۰۰۷ بیان داشت که "یک پیشنهاد شیرین در کنار تهدید بزرگ می‌تواند به عنوان راهی برای بازاندیشی سیاست‌های مقابله جویانه کنونی نگریسته شود". از دید کارشناسان گری سیمور به عنوان یک "عمل‌گرای غیرایدئولوژیک"^۱ شناخته می‌شود (Washingtonpost, 2019: 2).

دنيس راس^۲ پیش از خدمت در دولت کلینتون در مقام هماهنگ کننده امور خاورمیانه، در دولت بوش پدر رئیس ستاد سیاست گذاری وزارت خارجه بود و در آن سمت، نقش برجسته‌ای در سیاست آمریکا در قبال شوروی سابق، در وحدت دو آلمان و الحاق آن به ناتو، در مذاکرات کنترل تسلیحات، و در تشکیل ائتلاف در جنگ ۱۹۹۱ خلیج بر عهده داشته است. در دوران دولت ریگان، او به عنوان رئیس امور خاور نزدیک و جنوب آسیا در شورای امنیت ملی، و به عنوان جانشین مدیر دفتر ارزشیابی ویژه پنتاگون خدمت کرد. وی در تابستان ۱۹۹۳ میلادی، از سوی کلینتون، به عنوان فرستاده این کشور به سرزمین‌های اشغالی انتخاب شد. وظیفه وی تلاش برای برقراری صلح میان فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی بود. "نبیل شعث"، وزیر خارجه سابق فلسطین، وی را اسرائیلی‌تر از هر اسرائیلی خطاب کرده است. راس از خانواده‌ای یهودی می‌آید. پس از ترک این پست، وی مجدداً به سمت ریاست اتاق فکر مستقر در بیت المقدس موسوم به موسسه سیاستگذاری مردم یهود منصوب شد. این موسسه در سال ۲۰۰۲ و با سرمایه آژانس یهود تاسیس

^۳. Non- ideological Pragmatist

^۴. Danis Rose

شده است. نامبرده دارای گرایشات محافظه کارانه بوده و در دوران ریاست جمهوری جرج بوش پدر، سفیر آمریکا در اسرائیل بود و حمایت کامل اسرائیل را دارا بود. وی تا به حال مقالات متعددی را منتشر کرده و مصاحبه‌های مختلفی را انجام داده است. هر یک از این مواضع را می‌توان بخشی از سیاست راهبردی آمریکا در برخورد با ایران دانست (Rose, 2012: 8-11).

وی از جمله مخالفان جنگ علیه ایران بوده و معتقد است برای اعتمادسازی، آمریکا باید در گام اول تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را لغو کند. تنها در این صورت است که مقامات آمریکایی می‌توانند از ایران در رابطه با موضوعات هسته‌ای همکاری بیشتری را بخواهند (Rose, 2012: 14).

۳- اهداف گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای

آنگونه که از سوی این مرکز فکری و لابی سیاسی بیان می‌شود، چشم‌انداز ایران با سلاح هسته‌ای باید نگرانی هر آمریکایی و برای جامعه ملل غیر قابل قبول باشد. از سال ۱۹۷۹، حکومت ایران همواره تهدیدی برای آمریکا و متحدان آن و در عین حال صلح و ثبات منطقه‌ای معرفی می‌شود. ایران به طور غیر قانونی به تهیه تجهیزات هسته‌ای حتی پس از برنامه جامع اقدام مشترک ادامه می‌دهد. ایران با توسعه سلاح‌های هسته‌ای، ثبات خاورمیانه را تضعیف می‌کند و می‌تواند به تحریک منطقه‌ای مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای دامن بزند. بطور خلاصه، چشم‌انداز یک ایران اتمی خطری برای صلح جهانی است. این گروه بر این مبنا شکل گرفته که از یک طرف، ایران را به عنوان تهدید هسته‌ای جهانی به افکار عمومی جهانیان معرفی کند و از سوی دیگر، تلاش می‌کند با فشار بر شرکت‌های بزرگ بین‌المللی که با ایران رابطه اقتصادی دارند، آنها را وادار به تحریم اقتصادی ایران کند. این گروه با دریافت نظرات مثبت از سیاست‌گذاران سیاست خارجی و اعضای کنگره آمریکا به عنوان گروهی موثر در برابر تهدید هسته‌ای ایران معرفی شده است. لابی اتحاد علیه ایران هسته‌ای، به گفته خود، اهداف زیر را مد نظر دارد:

"اطلاع‌رسانی به عموم مردم در مورد ماهیت رژیم ایران، از جمله تمایل برای داشتن سلاح‌های هسته‌ای و همچنین نقش ایران به عنوان یک حامی دولتی از تروریسم جهانی، و نقض کننده حقوق بشر در داخل و خارج از کشور؛ بالا بردن سطح آگاهی ملی و بین‌المللی در مورد این خطر که ایران مسلح هسته‌ای در منطقه و جهان عامل بی‌ثباتی و تهدید است؛ بسیج حمایت عمومی از طریق استفاده از رسانه‌ها و متقاعد کردن رهبران منتخب برای بیان قوی و متحد مخالفت آمریکا نسبت به ایران هسته‌ای؛ فراهم کردن زمینه‌ای برای سیاست‌های موثر آمریکا در هماهنگی با اروپا و سایر متحدان؛ متقاعد کردن تهران به دست کشیدن از تلاش خود برای دستیابی به سلاح‌های

هسته‌ای، درشرایطی که به مردم ایران هزینه‌ای تحمیل نشود؛ تلاش برای تمرکز ابزارهای شدید ملی و بین‌المللی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک در راستای اهداف مذکور.

آنچه که از عملکرد این مرکز فکری در قبال برنامه هسته‌ای ایران می‌توان برداشت کرد، اهداف دیگری است؛ در واقع اهداف این گروه در زمینه مذکور را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

فریب افکار عمومی درباره ماهیت صلح آمیز توانمندی هسته‌ای ایران؛ جلوگیری از آگاهی‌های ملی و بین‌المللی درباره خطر تهدیدات هسته‌ای رژیم صهیونیستی و برتری تسلیحاتی رژیم صهیونیستی؛ بسیج پشتیبانی عمومی، استفاده از گستره رسانه‌ای و متقاعد سازی رهبران کشور برای ایران‌هراسی؛ رازینی و زمینه‌سازی و پیگیری اهداف موساد و رژیم صهیونیستی در اروپا و آمریکا با هدف افزایش تضاد بین دولت و ملت ایران با دولت و ملت آمریکا؛ افزایش فشار به مردم عادی ایران برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و مسبب دانستن رهبران ایران به جای تحریم‌های ضد انسانی غرب.

این نهاد متولی دیپلماسی مسیر دوم، تلاش دارد تا با شناسایی و اعلام قوانین و اقداماتی که برای طراحی و اجرای رژیم تحریم علیه ایران موجود است، از طریق تماس کشور به کشور و تجار و فعالان اقتصادی بخش خصوصی، آنها را به اتمام و پایان فعالیت در ایران وادار کند. همچنین، با تاکید بر تهدید بودن موضوع توانمندی هسته‌ای ایران و بزرگنمایی موضوع در سازمان ملل، آمریکا و اروپا را به القای دائمی خطر ایران در عرصه بین‌المللی و برنامه‌های رهبران و افکار عمومی در سه بعد خطر هسته‌ای، حقوق بشر و حمایت از تروریسم را پیگیری کند. از جمله فعالیت‌های بین‌المللی این گروه برای اعمال محدودیت برای فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران، فهرست کسب و کار ایران را راه‌اندازی کرد که یک پایگاه داده‌ای فعال از رسانه‌ها و گزارش‌های معتبر درباره شرکت‌های بین‌المللی درگیر کسب و کار در ایران است. این پایگاه از شرکت‌ها می‌خواهد با امضای اعلامیه‌ای شرکت نداشتن خود را در تجارت با ایران اعلام کنند. تاکنون نام شرکت‌های بسیاری در فهرست مذکور ثبت شده است. در عین حال، توجه به رویکرد هر یک از این افراد در تقابل با برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند نوع نگرش این گروه را نسبت به جمهوری اسلامی ایران نمایان سازد.

۴- منابع مالی و وابستگی‌های گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای

یکی از راه‌های تشخیص نفوذ و تاثیرگذاری اتاق‌های فکر ولابی‌های سیاسی در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا، توجه به نحوه تامین مالی این گروه‌ها است. بودجه اتحاد علیه

ایران هسته‌ای از طریق کمک‌ها و حمایت‌های مالی اشخاص حقیقی و حقوقی تأمین می‌شود و این ائتلاف بر اساس قوانین مالیات بر درآمد آمریکا مشمول معافیت مالیاتی است. اما برغم اینکه اتحاد علیه ایران هسته‌ای می‌کوشد خود را غیر حزبی معرفی کند، اما هیئت مشاوران این اتحاد شامل بعضی چهره‌های برجسته نومحافظه‌کار و راست‌گرایان و روسای سابق سرویس‌های اطلاعاتی و همچنین عناصر صهیونیستی فعال علیه جمهوری اسلامی ایران نشان از وابستگی کامل مالی آن به سرویس‌های اطلاعاتی سیا و موساد و لابی صهیونیسم است. اهداکنندگان بزرگ گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای دو فرد معتمد وابسته به میلیاردر توماس کاپلان و خانواده شلدون آدلسون و همسرش میریام، مهاجر جمهوری خواه تأمین می‌شود. بودجه تامینی مربوط به کاپلان و آدلسون بیش از سه چهارم مجموع درآمد گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای از ۱۰۷ میلیون دلار برای سال مالیاتی ۲۰۱۳ را به خود اختصاص داد. بودجه این گروه در سال ۲۰۱۶ به ۵۲ میلیون دلار رسید؛ اما منابع تأمین مالی آن همچنان سری مانده است (Heeley, 2019). اتاق‌های فکر به دلیل ماهیت غیرانتفاعی‌شان نیازی به شفاف‌سازی منابع بودجه ندارند. هر چند برخی این عمل را انجام داده و بسیاری از این امر اجتناب می‌کنند.

توماس کاپلان و شلدون آدلسون روابط بسیار نزدیکی را با اسرائیل دارند. شلدون آدلسون در سال ۲۰۱۰ بیان داشته بود: "من اسرائیلی نیستم؛ ولی اسرائیل در قلب من است (Clifton, 2015)". به گزارش نشریه نشنال حدود یک سوم از منبع درآمد گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای از طرف فردی به نام شلدون آدلسون متمایل به حزب محافظه‌کار به دست آمد که این فرد میزان ۹۸ میلیون دلار برای شکست اوباما در انتخابات سال ۲۰۱۲ هزینه کرده بود. این فرد از مخالفان سخت مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین بود و از مذاکرات کاندولیزا رایس و آنابولیس در سال ۲۰۰۷ به شدت انتقاد کرده بود. فردی که سیاست‌های ترامپ را در ابتدا دور از واقعیت می‌دانست و ایران را به عنوان خطری برای اسرائیل و آمریکا اعلام کرد (Isikoff, 2012)؛ اما با اعلام شعارهای انتخاباتی از جمله خروج از برنامه جامع اقدام مشترک و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به اورشلیم، شلدون آدلسون کمک‌های مالی خود را به کمپین انتخاباتی ترامپ گسیل داشت. در نشستی که بعد از پیروزی ترامپ برگزار شد، آدلسون موافقت کرد مبلغ ۳۰ میلیون دلار به صندوق رهبری کنگره^۱ اهدا کند که می‌توان آن را بخشی از یک سازمان سیاسی دوجانبه طراحی شده برای محافظت و تقویت جمهوری خواهان مجلس نمایندگان دانست. این صندوق در آمریکا به عنوان یک گروه فعال غیرانتفاعی است که سیاست‌های متمایل به حزب جمهوری خواه را تقویت می‌کند. این فرد از

¹. Congressional Leadership Fund

نمایندگان کنگره برای مخالفت با برنامه جامع اقدام مشترک از جمله دین هیلر^۱ عضو مجلس سنای آمریکا، باربارا کامستوک^۲، می می والترز^۳ و میا لاو^۴ حمایت کرده بود (Pollak, 2015). حمایت ۱۵۰ میلیون دلاری از کاندیداهای جمهوری خواه در انتخابات سال ۲۰۱۲ و حمایت ۱۰۰ میلیون دلاری در انتخابات میان دوره‌ای سال ۲۰۱۴ از جمله دیگر فعالیت‌های این فرد برای تاثیرگذاری در سیاست‌گذاری در آمریکا را نشان می‌دهد. این موارد در نگاه اول، توانایی نفوذ یک فرد در سیاست خارجی آمریکا به صورت غیر مستقیم و در درجه دوم نقطه پیوند گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای و دولت آمریکا را نشان می‌دهد. توماس فریدمن، نویسنده نیویورک تایمز در نوشتار خود عنوان کرده بود "این موجب نگرانی است که یک فرد با تمایل و توانایی دادن مبلغ هنگفت می‌تواند سیاست‌های اسرائیل و آمریکا را تحت تاثیر جدی قرار دهد" (Friedman, 2014).

هرچند ارتباط کاپلان با گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای به طور رسمی در وبسایت این گروه ذکر نشده، اما کاپلان بر ارتباطاتش با این گروه ضدایرانی اذعان کرده است. وی در گفتگویی درباره نقش خود در گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در راستای به زانو درآوردن ایران، سخن گفته است. بررسی گروه‌های تجاری وابسته به کاپلان و والاس نشان می‌دهد این دو در حوزه‌هایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که بدون وجود تنش و ناآرامی در خاورمیانه، سودآوری بالایی نخواهد داشت. از این رو بهتر می‌توان درک کرد که چرا گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، از مذاکرات هسته‌ای اوباما با دولت ایران، خشمگین بود؛ زیرا کاهش تنش‌ها در خاورمیانه سبب کاهش سودآوری حبایی آن‌ها خواهد شد.

بنابراین، بخش اعظم منابع مالی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای از طرف افرادی تامین می‌شود که وابسته به حزب جمهوری خواه هستند. گرایشی که نسبت به ایران و برنامه هسته‌ای آن همواره به عنوان تهدید نگریسته و در پی مقابله با آن از راه‌های گوناگون است. ادلسون معتقد است کنترل جمهوری خواهان مجلس نمایندگان و مجلس سنا برای حمایت از این سیاست‌ها بسیار حیاتی است؛ آنها اعتقاد دارند در چند ماه گذشته ۵۵ میلیون دلار به گروه‌هایی اختصاص داده شده که اطمینان حاصل کند که آن را در مسیر مخالفت با ایران و دفاع از اسرائیل باقی می‌گذارد. به این ترتیب، ادلسون و همراهان وی نه تنها بزرگترین اهداکنندگان تلاش‌های انتخاباتی جمهوری خواهان در این دوره انتخابات هستند، بلکه بیشترین هزینه را در انتخابات فدرال در تمام سیاست‌های آمریکا بر عهده دارند (Peters, 2018).

1. Dean Heller

2. Barbara Comstock

3. Mimi Walters

4. Mia Love

۵- گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای و تحلیل راهبردهای امنیتی برای سیاست خارجی آمریکا

هر یک از موضوعات امنیتی در آمریکا بر اساس رهیافت‌های گوناگونی مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد. در این راستا، اگر تحلیل‌های متنوعی وجود داشته باشد، هر یک از نظریه پردازان سعی می‌کنند تا رویکرد خود را غالب کنند. کارکرد ویژه‌ای که اتاق‌های فکر و لابی‌ها دارند این است که آنها می‌توانند به تفسیر موضوعات، حوادث و سیاست‌هایی بپردازند که مقامات اجرایی و تصمیم‌گیران زمان کافی برای آن ندارند. گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای سعی دارد تا موضوعات امنیتی از جمله برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان هنجار سیاست خارجی به افکار عمومی آمریکا معرفی کرده و در مرحله بعد تلاش می‌کنند تا حمایت‌نخبگان و نهادهای امنیتی آمریکا را جلب کنند. همه فعالیت‌های گروه مذکور در راستای امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران در درجه اول است. همانگونه که برخی معتقدند که برنامه هسته‌ای ایران باید مسئله اول برای آمریکا باشد. در همین راستا، برخی از اعضای این گروه راهبردهایی را مطرح و منتشر کرده‌اند.

گزارش راهبردی گری سیمور با عنوان راهبرد دیپلماسی مرحله‌ای در مهار هسته‌ای ایران: از

جمله راهبرد دیپلماسی مرحله‌ای در مهار هسته‌ای ایران که از سوی گری سیمور مطرح شد، بر این باور است که گزینه نظامی باید به عنوان یک اهرم فشار وجود داشته باشد. سیمور معتقد است که حمله نظامی به ایران فقط در دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأخیر ایجاد خواهد کرد. تحریم‌ها به عنوان یک ابزار موثر برای افزایش هزینه‌های ایران مورد توجه قرار می‌گیرد (3: 2012, samore). سیمور مخالف اقدام نظامی علیه ایران بوده و استراتژی قدم به قدم تا هدف نهایی را برای مهار ایران مناسب می‌داند. وی از طرفداران استراتژی چماق و هویج است و در حال حاضر در این گروه، کمپینی را برای شناسایی شرکت‌هایی که تجارت انسان دوستانه با ایران دارند، آغاز کرده است؛ این درحالی است که بعضی از آنها زمانی که وی در دولت حضور داشت، از وزارت خزانه‌داری مجوز گرفته‌اند (Clifton and Gharib, 2014). والاس و گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای اولین کار موفقیت آمیز را برای متقاعد کردن یک شرکت چینی برای پایان دادن به کار خود در ایران انجام دادند. این شرکت پس از بحث و گفتگوهای مختلف بین والاس، گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای و هواوی، اعلام کرد که مشغول به پیشبرد تجارت خود در ایران است. تصمیم هواوی و نقش گروه مذکور در رسانه‌های خبری از جمله رویترز برجسته شد (1: 2011, Miglani). در همین زمینه در بخشی از وال استریت ژورنال، والاس این گونه اظهار می‌کند: "این یک نقطه عطف و قابل توجه

است. برای اولین بار یک تجارت بزرگ چینی در مواجهه بین‌المللی با ایران، از این کشور خارج می‌شود" (Chao, Stecklow, Fassihi, 2011: 2).

گزارش گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای با عنوان "چه چیزی در مورد توافق هسته‌ای با ایران اشتباه است و ما باید چه کنیم؟"^۱: در این گزارش مرکز فکری اتحاد علیه ایران هسته‌ای بیان می‌کند که برنامه جامع اقدام مشترک ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تأیید نمی‌کند و مسیر مشخصی را برای تسلیحات هسته‌ای فراهم می‌کند. پایان مقررات موجود در برنامه جامع، به معنای پایان محدودیت‌ها در غنی سازی اورانیوم و پردازش پلوتونیوم ایران پس از ۱۰ تا ۱۵ سال است. ایران آزاد است تا برنامه هسته‌ای خود را در آن زمان در مقیاس صنعتی گسترش دهد و سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای را بکار بگیرد. این به معنای حرکت رو به جلو برای جبران محدودیت‌های اعمال شده در آینده معرفی شده و تسریع در دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را نوعی تهدید قلمداد می‌کند. تلقی اتحاد علیه ایران هسته‌ای این است که ایران بعد از اتمام دوره محدودیت (۱۰-۱۵ سال) می‌تواند به سرعت جبران گذشته را داشته باشد. در این گزارش آمده است که با توجه به فرصت ۲۴ روزه به ایران برای اعمال بازرسی‌های آژانس، زمان کافی برای پنهان سازی اقدامات از سوی ایران وجود خواهد داشت. برنامه جامع اقدام مشترک بازرسی‌ها از اماکن نظامی را مورد توجه قرار نداده است. به عبارتی، ایران محدودیت‌های موقت را به نفع خود در ازای مزایای دائمی پذیرفته است. برخی از تحریم‌های اتحادیه اروپا و تحریم‌های آمریکا برداشته شده و ایران قادر خواهد بود تا به دارایی‌های بلوکه شده خود در آمریکا و سایر مناطق دنیا دست یابد. این توافق، یک کشور تروریستی ضد آمریکایی افراطی را تقویت و غنی می‌کند و بدین ترتیب فعالیت‌های انبساطی و بی‌ثبات‌کننده ایران را بیشتر خواهد کرد. این گزارش کمک به نیروهای تروریستی و بی‌ثبات ساز، فعالیت‌های موشکی از جمله آزمایش ۱۶ موشک بالستیک از زمان دستیابی به توافق هسته‌ای، بی‌ثباتی کشورهای عراق و سوریه و به طور کلی منطقه، حمایت از اسد و سیاست‌های حقوق بشری نامناسب را از جمله سیاست‌های اشتباه ایران معرفی کرده است. این توافق برای جلوگیری از توسعه تسلیحات هسته‌ای ایران در طولانی مدت و محدود کردن برنامه موشکی بالستیک ایران و انتقال تسلیحات متعارف موثر نیست. در نتیجه، مخالفان منطقه‌ای ایران مانند عربستان ممکن است برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود و

¹. What's Wrong with the Iran Nuclear Deal and What Can We Do Now?

تقویت قابلیت تسلیحات متعارف خود با ایران مقابله کنند. این مرکز فکری و سیاسی در پایان گزارش خود گسترده‌تر شدن توافق مذکور و فشار حداکثری برای اعمال محدودیت‌های بیشتر را پیشنهاد کرده و معتقد است: (۱) توافق جدید شامل یک توافق دائمی برای عدم دستیابی دائمی ایران به سلاح هسته‌ای باشد. (۲) پایان بخشیدن به فعالیت‌های موشکی بالستیک، نقض حقوق بشر و فعالیت‌های بی‌ثبات‌ساز. در ازای این توافق ایران خواهد توانست به متعادل کردن روابط خود با آمریکا و رهایی از تحریم‌ها بیاید.

گزارش "ایران و کره شمالی - شرکای انتشار تسلیحات هسته‌ای"^۱: ایران و کره شمالی مهم‌ترین بازیگران بی‌ثبات‌کننده در مناطق خود هستند. تهدیدات ایران و کره شمالی برای آمریکا و متحدان آن گسترده و چندوجهی است. تهدید ایران و کره شمالی با همکاری این دو کشور به ویژه در زمینه توسعه موشک‌های هسته‌ای و بالستیک پیچیده شده است. کره شمالی به دلیل صادرات گسترده و غیرقانونی موشک‌های بالستیک و فناوری‌های مرتبط بدنام است. تهدیدات ایران و کره شمالی برای آمریکا و متحدان آن گسترده و چندوجهی است و شامل سلاح‌های کشتار جمعی^۲ و گسترش و تحویل، امنیت سایبری، جرم فراملی، نقض حقوق بشر و بی‌ثبات‌کننده فعالیت‌های منطقه‌ای است. تهدید ایران و کره شمالی با توجه به سابقه همکاری چندین ساله این دو کشور بویژه در زمینه توسعه موشک‌های هسته‌ای و بالستیک مطرح شده است. دانش و فن‌آوری بین این شرکا جریان می‌یابد و هر یک قادر به اصلاح و پیشبرد فعالیت‌های گسترش غیرقانونی خود می‌باشند. با توسل به رژیم صادرات غیرقانونی کره شمالی، طبق بررسی مرکز سرویس تحقیقاتی کنگره، ایران در بسیاری از برنامه‌های موشک‌های بالستیک، روابط نزدیکی با کره شمالی برقرار کرده است: "فراهم آوردن مقتضیات برای ایران به منظور" افزایش کیفی در توانایی‌های تولید موشک بالستیک و پیشرفت ایران با هدف خودکفایی در تولید موشک‌های بالستیک با برد متوسط.

این گزارش اذعان می‌دارد همکاری استراتژیک ایران با کره شمالی در توسعه فناوری موشکی- هسته‌ای و بالستیک یک مؤلفه اساسی در پروژه ایران برای بی‌ثبات کردن خاورمیانه و دستیابی به تسلط منطقه‌ای است. پیشرفت‌هایی که ایران در نتیجه همکاری خود با کره شمالی به زرادخانه موشکی بالستیک خود کرده است، توانایی ایران در مقابله با آمریکا و متحدانش و همچنین هزینه‌های پاسخگویی به تحریکات ایران را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، روابط پایدار بین ایران و

^۱ Iran & North Korea – Nuclear Proliferation Partners

^۲ Weapon of Mass Destructions

کره شمالی به شدت مانعی در برابر تلاش‌های بین‌المللی برای جلوگیری از توسعه هسته‌ای ایران و خاتمه برنامه تسلیحات هسته‌ای کره شمالی است. برغم توافق جامع اقدام مشترک، ایران مسیر ارتباطی با کره شمالی را برای رسیدن به ظرفیت تسلیحات هسته‌ای حفظ می‌کند و کارایی این قرارداد را تهدید می‌کند. روز بعد از آنکه ترامپ مجدداً تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را پس از خروج وی از توافق مذکور اعمال کرد، وزیر امور خارجه کره شمالی با رئیس جمهور حسن روحانی در تهران دیدار انجام داد. در نهایت، مرکز فکری و سیاسی اتحاد علیه ایران هسته‌ای بیان می‌دارد: جامعه بین‌المللی باید با توجه به ماهیت درهم تنیده برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران و کره شمالی، علاوه بر تلاش برای خنثی کردن فعالیت‌های گسترش غیرقانونی ایران به طور دائمی، شبکه ارتباطی ایران و کره جنوبی را مختل کند. سیاست‌گذاران آمریکا نیز باید اقدامات زیر را برای محدود کردن توانایی‌های ایران و کره شمالی در زمینه مذکور، در پیشبرد فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آنها در نظر بگیرند:

(۱) **قانون گذاری در راستای ایجاد محدودیت‌های بیشتر در سر راه برنامه هسته‌ای ایران:** آمریکا باید قانون پیشروی علیه برنامه موشکی بالستیک ایران و شبکه ارتباطی در زمینه موشک بالستیک ایران و کره شمالی را مورد توجه ویژه قرار دهد. قانون منع تحریم دو طرفه و نوسازی تحریم‌ها^۱، که بطور گسترده از سوی هر دو مجلس نمایندگان و سنا به تصویب رسید و توسط رئیس جمهور ترامپ در تاریخ ۲ اوت ۲۰۱۷ به امضا رسید، از نمونه‌های این قوانین است. همچنین، قانون محرومیت اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی^۲، آیین‌نامه مشابهی بود که در اول مارس ۲۰۱۸ در مجلس به تصویب رسید. این لایحه دولت فعلی را ملزم می‌کند تا در مورد اشخاصی که با جمهوری اسلامی ایران و به خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معاملات قابل توجهی دارند را تحت کنترل قرار داده و گزارش کند. این قانون، بطور قابل توجهی، یک نهاد را به عنوان متعلق یا تحت کنترل سپاه مشخص می‌کند، حتی در صورتی که سپاه کمتر از ۵۰٪ از نهاد وابسته را در اختیار داشته باشد.

(۲) **جلوگیری و قطع شبکه ارتباطی ایران و کره شمالی:** آمریکا باید به تلاش‌های ایران برای برون سپاری برنامه هسته‌ای غیرقانونی خود به کره شمالی نظارت داشته و بدنبال جلوگیری از هدایت ایران از سوی کره شمالی به سمت بمب هسته‌ای یا موشک‌های بالستیک باشد. یک ایراد اساسی برنامه جامع اقدام مشترک این است که محدودیت‌های آن فقط به برنامه تسلیحات هسته‌ای

¹. Korean Interdiction and Modernization of Sanctions Act

². Iranian Revolutionary Guards Economic Exclusion Act

داخلی ایران مربوط می شود و این توافق نامه فاقد یک مکانیسم اجرایی برای جلوگیری از انتقال مواد هسته‌ای و فن‌آوری های موشکی به ایران از کشور دیگری است. پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای^۱ نیز در این زمینه کافی نبوده و نمی‌تواند از جاه‌طلبی ایران در دستیابی به تسلیحات هسته‌ای جلوگیری کند. فعالیت‌های ایران در راستای پرتاب ماهواره، با این ادعا مخالف است که برنامه هسته‌ای آن منحصراً صلح آمیز می باشد و نگرانی‌های مربوط به ارتباط ایران با برجام در فعالیت هسته‌ای کره شمالی را بیشتر می‌کند.

در همین راستا، به دنبال کناره‌گیری آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک، آمریکا باید اتحادیه اروپا، روسیه و چین را تشویق کند تا اعلامیه‌ای را منتشر کنند که ایران را به عنوان کشور خاطی خارج از توافق برنامه جامع و ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ معرفی کند. بدنبال این توافق نامه، و بدنبال فعال سازی مکانیسم "بازگشت سریع"^۲ تحریم‌های مندرج در برنامه جامع اقدام مشترک عیناً عملی خواهد شد. به همین ترتیب، آمریکا باید از شورای امنیت بخواهد که قطعنامه ۲۲۳۱ را اصلاح کرده و محدودیت‌های انتقال فناوری موشک‌های بالستیک در مورد ایران را دائمی کند.

۳) قطع شبکه‌های تدارکاتی ایران و کره شمالی: برای جلوگیری از این واقعیت، آمریکا باید برای مختل کردن شبکه‌های مخفی دریا و هوای کره شمالی و ایران که عمدتاً بدون هیچ اشکالی فعال هستند، عمل کند. آمریکا باید بویژه با چین همکاری کند تا پروازهای موجود در مسیر پیونگ یانگ - تهران که در پکن متوقف می‌شود، حمل مواد هسته‌ای غیرقانونی یا مبالغه‌آمیز نقدی نداشته باشد. شرکت‌های هواپیمایی با توجه به انجام مشاغل با ایران نیز باید گزارش دهند در چه زمانی و مکانی ایران ممکن است بدنبال استفاده از هواپیماهای خود برای حمل و نقل مخفی قطعات و فناوری های موشکی هسته‌ای و بالستیک باشد.

گزارش "جمهوری اسلامی ایران و نقض تعهدات بین‌المللی"^۳: هرگونه ارزیابی از این که آیا ایران به تعهدات خود مطابق توافق هسته‌ای نهایی بین گروه ۱ + ۵ و ایران عمل می‌کند را باید از رفتارهای قبلی رژیم بدست آورد. بنابراین گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای یک منبع جامع از نقض ایران در مورد تعهدات پیمان خود و توافق‌های چندجانبه از جمله خلع سلاح و نابودی اسلحه، حقوق

^۱. Nonproliferation Treaty

^۲. "snap-back" Mechanism

^۳. The Islamic Republic of Iran's Violation of Treaties and Multilateral Agreements

بشر و حکمرانی را گردآوری کرده است. سوابق تاریخی نشان می‌دهد ایران نتوانسته است از مفاد و اصول معاهدات چندجانبه که در آن عضویت دارد، پیروی کند. این ادعای رژیم ایران مبنی بر اینکه ایران یک بازیگر دولتی مسئول است که مطابق با قوانین بین‌المللی عمل می‌کند، قابل تأمل است. در پی این گزارش، ایران به عنوان کشور ناقض پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، کنوانسیون منع توسعه، تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و از بین بردن آنها، کنوانسیون وین در روابط دیپلماتیک و کنسولی، کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری، کنوانسیون بین‌المللی رفع همه‌اشکال تبعیض نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک شناخته شده است.

۶- رویکرد گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای در عرصه جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران

لابی اتحاد علیه ایران هسته‌ای، پایگاه داده‌هایی به نام ثبت تجارت ایران^۱ را اداره می‌کند که فهرستی از شرکت‌های بین‌المللی طرف معامله تجاری با ایران را شامل می‌شود. تحقیقات نشریه نیشن^۲ از فهرست تجاری گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای نشان می‌دهد که این فهرست شامل ۱۱۰۰ شرکت که با ایران همکاری داشته‌اند، می‌شود. گروه مذکور به عنوان حامی جناح محافظه‌کار و جمهوری‌خواه، از تلاش‌های ترامپ مبنی بر فشار بر شرکت‌ها برای تجدید نظر در فعالیت تجاری در ایران استقبال کرده و در عین حال بر دولت ترامپ فشار وارد می‌کند تا به کسب و کارهایی که مجدداً به ایران وارد می‌شوند، فشار وارد کند (www.unitedagainstnucleariran.com). در حالی که این گروه بسیاری از شرکت‌ها را متهم به نقض تحریم‌های بین‌المللی آمریکا می‌کند، برخی از این شرکت‌ها تجارت کاملاً قانونی با ایران دارند و مشغول فروش دارو به ایران هستند؛ اقدامی اقتصادی که وزارت خزانه‌داری آمریکا آن را معاف از تحریم‌ها اعلام کرده است. این گروه به دنبال تحمیل تحریم‌های غیررسمی و تمام عیار علیه ایران است. زمانی که سیاست‌های رسمی با موفقیت وضع می‌شوند، تحریم‌های تمام عیار، آسیب شدیدی به مردم کشورهای هدف وارد می‌کند.

اتحاد علیه ایران هسته‌ای از شهروندان می‌خواهد با این شرکت‌ها و همچنین با مقامات انتخابی تماس بگیرند و آن‌ها را به کاهش ارتباط تجاری با ایران ترغیب کنند. برخی شرکت‌های طرف معامله به یکباره با انبوهی از نامه مخالفت با همکاری با ایران مواجه می‌شوند که یک اقدام جریان‌سازی شده برای تحت تأثیر قرار دادن مقامات همکاری‌کننده با جمهوری اسلامی ایران است.

^۱. Iran Business Registry

^۲. The Nation

و گاه به تهدید این افراد نیز کشیده شده است. به عبارتی، این اتحاد از شرکت‌های مختلف می‌خواهد بیانیه‌ای را امضا کنند که متعهد می‌شود در ایران فعالیت نداشته باشند. از جمله در ژانویه سال ۲۰۱۰، پس از فشارهای گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، شرکت شیمیایی هانتزمن^۱ اعلام کرد فروش محصولات خود به ایران را ادامه نخواهد داد. به گزارش گروه مذکور، یکی از شرکت‌های زیرمجموعه هانتزمن به ایران پولی یورتان می‌فروخت، ماده‌ای دومانظوره که به ادعای گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای ممکن بود از آن به عنوان سوخت جامد موشک استفاده شود. هانتزمن طی بیانیه‌ای اعلام کرد که به دلیل نگرانی‌های فزاینده بین‌المللی بر سر سیاست‌های هسته‌ای ایران، میزان اندک تجارت با این کشور ریسک به خطر افتادن شهرت این شرکت را در اثر ارتباط با شرکت‌های ایرانی توجیه نمی‌کند (www.unitedagainstnucleariran.com).

در نتیجه فشارهای گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، شرکت کاترپیلار^۲ که به تولید کننده ماشین آلات سنگین راهسازی اشتغال دارد، فعالیت‌های خود در ایران از طریق نماینده خود را متوقف کرد. گروه مذکور به عنوان بخشی از این کمپین، تابلوی تبلیغاتی در نزدیکی مقر این شرکت در پیوریای ایلینوی نصب کرد که بر روی آن یک بیل مکانیکی شرکت کاترپیلار در کنار شعار محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق ایران، با مضمون "کار امروز، ایران هسته‌ای فردا" به تصویر کشیده شده بود (www.unitedagainstnucleariran.com).

همچنین، در سپتامبر ۲۰۰۹، شرکت جنرال الکتریک به عنوان بزرگترین سازنده جهان در زمینه تجهیزات تولید انرژی و تجهیزات پزشکی، بیانیه گروه مذکور در مورد تجارت ایران را امضا کرد. مبنی بر اینکه دیگر تجارتی با ایران انجام نخواهد داد. این شرکت تصمیم خود را بر گفته‌های جرج بوش استوار ساخت که کشور ایران توسعه سلاح‌های هسته‌ای خود را سرعت بخشیده است. کمپانی ریو تینتو نیز در پی فشارهای گروه مذکور در پی نامه‌ای که در اکتبر ۲۰۱۰ به آن ارسال شد، از سوی این گروه مورد تهدید قرار گرفت که به فعالیت‌های خود با ایران پایان دهد (Lipscomb, 2009).

این گروه حتی انجمن تبادلات مالی بین بانکی جهانی^۳ را واداشت تا برخلاف رویه معمول، ارائه خدمات به کلیه بانک‌های ایران را تعطیل کند (www.unitedagainstnucleariran.com). سایر اقدامات این گروه از جمله تماس با شرکت‌های ارائه کننده خدمات چاپ اسکناس، کشتیرانی، خودرو و موارد دیگر، ناشی از این تفکر در این گروه است که هر نوع محدودیت خواهد توانست ایران را در نهایت به تسلیم شدن وادارد.

^۱. Huntsman Corporation

^۲. Caterpillar Corporation

^۳. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication

این گروه همچنین دارای یک کمپین مربوط به مسئله حمل و نقل ویژه برای "تحریم بخش‌های حمل و نقل و بندرهای ایران" می‌باشد. به عنوان بخشی از این تلاش‌ها، "سیستم شبکه اطلاعات دریایی و تجزیه و تحلیل قایقرانی" را در سال ۲۰۱۳ تشکیل و آن را توسعه داده است. این سیستم ردیابی کشتی‌های ایران را بررسی می‌کند و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای قاچاق نفت (حمل و نقل نفت) و محموله در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی را نشان می‌دهد. این سیستم، بر اساس آنچه که در نیویورک تایمز نوشته شده است: "اطلاعات عمومی ماهواره‌ای که از فرستنده‌های کشتی، از جمله داده‌ها در مورد سرعت، هویت، جهت و مقصد، و اطلاعات را با دیگر داده‌های ناوبری و الگوریتم‌های کامپیوتری بررسی می‌کند." سپس این سیستم می‌تواند "کلیه فعالیت‌های مشکوک حتی اگر فرستنده‌ها به طور موقت خاموش باشند را شناسایی کند." طبق گفته گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، "این سیستم نقض تحریم‌های احتمالی را که این گروه پس از آن به اطلاع عموم رسانده بود، ایرانیان یا شرکای آن‌ها را مجبور کرده است برنامه‌های خود را تغییر دهند؛ زیرا در معرض خطر قرار داشتند" (www.unitedagainstnucleariran.com).

به عنوان یک نسخه فرعی و زیرمجموعه گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، طرح یوآنی-آی. اس. دی^۱ به عنوان یکی از فعالیت‌های بین‌المللی و اشتراکی گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای با موسسه گفتگوهای استراتژیک مستقر در لندن است. موسسه گفتگوهای استراتژیک اتاق فکری مستقل است که در همکاری نزدیک با رهبران دولت، تجارت، رسانه و دانشگاه در پی پاسخ دادن به چالش‌های عمده امنیتی و اجتماعی-اقتصادی زمانه و تسهیل ظرفیت اروپا برای کنش موثر در صحنه جهان فعالیت می‌کند. فعالیت‌های این موسسه معطوف به تقویت رهبری و ثبات در سراسر اروپا و سایر مناطق جهان، متصل کردن فعالان بین اجتماعی، مذهبی و تقسیم‌بندی‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی است. طرح گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای-موسسه گفتگوهای استراتژیک، همکاری میان انگلستان و آمریکا به منظور مبارزه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. هدف این رهبران اروپایی و آمریکایی لابی‌گری و اثرگذاری به منظور متقاعد کردن قانون‌گذاران و دولتمردان اروپایی و آمریکایی به خطرناک بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تلاش برای افزایش فشارها و تحریم‌ها علیه ایران است (www.unitedagainstnucleariran.com).

¹. Institute for Strategic Dialogue

نتیجه‌گیری

یکی از بازیگران غیر رسمی موثر در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا، که در ارتباط مستقیم با برنامه هسته‌ای ایران فعالیت می‌کند، گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای است. این گروه در سال ۲۰۰۸ تشکیل و هدف خود را مبارزه با برنامه هسته‌ای ایران در ظاهر و در اصل با جمهوری اسلامی ایران قرار داد. این گروه بر این مبنا شکل گرفته است که ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین الملل معرفی کند. نگاهی به ساختار و منابع تامین مالی این گروه این نکته را بازگو می‌کند که این گروه در ارتباط تنگاتنگ با اسرائیل بوده و در راستای اهداف این کشور قدم برمی‌دارد. این گروه نیز از جمله اتاق‌های فکر و لابی‌های سیاسی است که با ابزارهای گوناگونی در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا تاثیر می‌گذارد. برگزاری سمینارها و دعوت از سیاست‌گذاران صاحب نفوذ در دولت فعلی و در عین حال متخصصان و مقامات در دولت‌های پیشین به منظور ارتباط با آنها و ریزنی در رابطه با مسائل مربوطه، هدایت افکار عمومی از طریق بکارگیری رسانه‌ها و انتشار گزارشات و خبرها، ارتباط با اعضای کنگره در مجالس نمایندگان و سنا و ارائه لوایح به آنها برای طرح در مجالس فوق، ارتباط با لابی‌ها و اتاق‌های فکر دارای پیشینه قویتر از جمله لابی ایپک، تربیت کادر متخصص و فرستادن تحلیل‌گرانی به شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی به منظور ترغیب افکار عمومی از جمله فعالیت‌های گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای است. همچنین، قسمت عمده‌ای از تلاش‌های آنها حول محور کمپین‌های تحریم خصوصی برای تحریم خریداران یا تحت فشار قرار دادن دیگر شرکت‌های طرف قرارداد با ایران است. این درحالی است که آنها در بیانیه‌شان ادعا می‌کنند اقداماتشان تلاش برای مجازات مردم ایران نیست. گروه مذکور نه تنها فعالیت‌های داخلی برای مقابله با ایران را دنبال می‌کند، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای را پیگیری می‌نماید. از جمله ترغیب شرکت‌ها و تهدید آنها برای عدم مراوده اقتصادی با ایران نمونه فعالیت‌های این گروه است. نمونه این فعالیت بارز، پایگاه داده‌هایی به نام ثبت تجارت ایران است که فهرستی از شرکت‌های بین‌المللی طرف معامله تجاری با ایران را شامل می‌شود. در این زمینه این گروه تلاش می‌کند با فشار بر شرکت‌های بزرگ بین‌المللی که با ایران رابطه اقتصادی دارند، آنها را وادار به تحریم اقتصادی ایران کند. در همین راستا، این گروه با دریافت نظرات مثبت از سیاست‌گذاران سیاست خارجی و اعضای کنگره آمریکا به عنوان گروهی موثر در برابر تهدید هسته‌ای ایران معرفی شده است. به طور کلی باید اهداف این گروه را به طور خلاصه اینگونه ذکر کرد:

۱- قبل از توافق هسته‌ای، برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان تهدید جهانی و ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه معرفی کرده‌اند. ۲- بعد از توافق هسته‌ای، شکست برجام و ایجاد شرایط مناسب برای بازگرداندن وضعیت ایران به شرایط قبلی با هدف "براندازی و تغییر رژیم" که هدف اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. ۳- بی‌اعتبار ساختن برنامه جامع اقدام مشترک در افکار عمومی از دیگر اهداف آنها است. تلاش می‌کنند با مقالات و سخنرانی‌های مرتب به افکار عمومی آمریکا و جهان تلقین کنند برجام برد صد درصدی برای ایران بود و آمریکا و جامعه جهانی هم کاملاً باخت. ۴- متهم کردن اوباما و تیمش به اینکه در قضیه برجام به ایران باج داد و به آمریکا و اسرائیل و متحدان عرب خیانت کرد. ۵- جلوگیری از ورود شرکت‌های آمریکا، اروپا و غرب برای تجدید روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری. در این مورد برنامه بسیار حساب‌شده و جامع و پیچیده و چند لایه‌ای تنظیم شده که در حال اجرا است. ۶- بلوکه کردن هر تحول مثبت جدید در جهت گشایش کار آمریکا و غرب با ایران. ۷- تخریب و فراری دادن همه افراد و سازمان‌ها و ارگان‌های آمریکایی و ایرانی که در جهت جلوگیری از حمله نظامی آمریکا به ایران و فروپاشی نظام بین‌المللی تحریم‌ها از طریق یافتن راه حل مسالمت‌آمیز برای بحران هسته‌ای تلاش کردند و می‌کنند. ۸- تشدید اتهامات در مورد تروریسم و حقوق بشر علیه ایران و جلوگیری از نفوذ و قدرت ایران در منطقه. ۹- دفاع از لوائح تحریمی علیه ایران و حمایت از آنها در میان افکار عمومی. ۱۰- نفوذ در سایر کشورها همچون اروپا، کشورهای مسلمان، ژاپن و کانادا و حتی روسیه و چین در جهت پیشبرد اهدافشان.

منابع و مآخذ

۱. متقی، ابراهیم؛ پوستین چی، زهرا (۱۳۹۳)، "ایران در نگرش نخبگان، نهادهای اجتماعی و ساختار سیاسی آمریکا"، تهران: میزان.
2. 2018 Iran Summit. (n.d.). Retrieved from <https://2018iransummit.splashthat.com/>.
3. About Us. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/about>.
4. Bolton, John (2010). "How Barack Obama Is Endangering Our National Sovereignty", **N.B.**
5. Bolton, John (2012). "Israel is not the threat, Mr. Obama. Iran is.", **Foxnews**.
6. Campaign Successes. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/our-initiatives/campaign-successes>.
7. Caterpillar Inc. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/company/caterpillar-inc>.
8. Chao, Loretta and Steve Stecklow and Farnaz Fassihi (2011). "Huawei to Scale Back Business in Iran". **The Wall Street Journal**. December 10, 2011.

9. Clifton, E. (2015, July 6). Document Reveals Billionaire Backers Behind United Against Nuclear Iran. Retrieved from: <https://lobelog.com/document-reveals-billionaire-backers-behind-united-against-nuclear-iran/#comments>
10. Clifton, Eli and Ali Gharib (2014). "Pro-Sanctions Group Targets Legal Humanitarian Trade with Iran", **the Nation**: November 13.
11. DAOU, Marc (2019, May). "John Bolton's dangerous 'obsession' with Iran", Paris: **France24**.
12. Dr. Gary Samore. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/people/dr-gary-samore>.
13. Druckman, Y., Eichner, I., & Blumenthal, I. (2016, March 17). Ex-Mossad chief Meir Dagan dies. Retrieved from: <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4779622,00.html>.
14. Friedman, T. L. (2014, April 5). Opinion | Sheldon: Iran's Best Friend. Retrieved from <http://www.nytimes.com/2014/04/06/opinion/sunday/friedman-sheldon-irans-best-friend.html>.
15. Gary Samore. (2012, July 25). Retrieved from https://www.washingtonpost.com/politics/gary-samore/gIQAf5ZCAP_print.html.
16. Gingrich funder isn't trying to 'buy' the presidency, aide says. (2012, January 27). Retrieved from http://firstread.nbcnews.com/_news/2012/01/27/10249298-gingrich-funder-isnt-trying-to-buy-the-presidency-aide-says.
17. Holbrooke, R. (1999). *To end a war*. New York: The Modern Library.
18. Holbrooke, R., Woolsey, R. J., Ross, D. B., & Wallace, M. D. (2008, September 22). Everyone Needs to Worry About Iran. Retrieved from <https://www.wsj.com/articles/SB122204266977561331>.
19. Huntsman. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/company/huntsman>.
20. Iran & North Korea - Nuclear Proliferation Partners. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/north-korea-iran>.
21. John Bolton. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/people/john-bolton>.
22. Kristiane A. Oswald (2009). "Mass Media and Transformation of American Politics", **Marquette Law Review**, Volume 77, Issue 2, Article 7.
23. Leadership & Staff. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/about/leadership>.
24. Legislation. (n.d.). Retrieved from <http://www.unitedagainstinucleariran.com/legislation>.
25. MacGann, James (2005). "**Think Tanks and Policy Advice in the US**", Think Tanks and Civil Societies Program (FPRI).
26. Meir Dagan. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/people/meir-dagan>.
27. Our Mission. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstinucleariran.com/about/mission>.
28. Peters, J. W. (2018, September 22). Sheldon Adelson Sees a Lot to Like in Trump's Washington. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2018/09/22/us/politics/adelson-trump-republican-donor.html?login=smartlock&auth=login-smartlock>.
29. Pollak, J. B. (2015, April 24). GOP Contenders Gather at 'Sheldon Adelson Primary' in Vegas. Retrieved from <http://www.breitbart.com/big-government/2015/04/24/gop-contenders-gather-at-sheldon-adelson-primary-in-vegas/>.

30. Rfe/rl. (2011, April 14). Obama Adviser Gary Samore: 'The Ball Is Very Much In Tehran's Court'. Retrieved from https://www.rferl.org/a/interview_samore_russia_iran_us_policy/3557326.html.
31. Richard Holbrooke On The Nature Of The Iranian Regime. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/videos/richard-holbrooke-on-nature-of-iranian-regime>.
32. Rose, Denis (2012, June 15). "Calling Iran Bluff: It's Time to Offer Iran a Civilian Nuclear Program", **New Republic**.
33. Ship Tracking Program. (n.d.). Retrieved from <http://www.unitedagainstnucleariran.com/minerva>.
34. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT). (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/company/society-worldwide-interbank-financial-telecommunication-swift>.
35. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT). (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/company/society-worldwide-interbank-financial-telecommunication-swift>.
36. Thank You for Making the 2018 Iran Summit a Success. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/thank-you-for-making-2018-iran-summit-success>.
37. The Iran Nuclear Deal: What's Wrong With It And What Can We Do Now? (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/iran-nuclear-deal>.
38. The Islamic Republic of Iran's Violation of Treaties and Multilateral Agreements. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/violation-of-treaties>.
39. Thomas Ambrosio (2002). **"Ethnic identity groups and U.S. foreign policy"**, USA: Praege.
40. UANI and the Institute for Strategic Dialogue Launch Transatlantic Initiative to Prevent a Nuclear-Armed Iran. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/uani-and-institute-strategic-dialogue-launch-transatlantic-initiative-prevent-nuclear>.
41. UANI and the Institute for Strategic Dialogue Launch Transatlantic Initiative to Prevent a Nuclear-Armed Iran. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/uani-and-institute-strategic-dialogue-launch-transatlantic-initiative-prevent-nuclear>.
42. UANI Announces New Advisory Board Members. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/news/uani-announces-new-advisory-board-members>.
43. UANI Applauds Passage of Iran-Russia-North Korea Sanctions Bill. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/uani-applauds-passage-of-iran-russia-north-korea-sanctions-bill>.
44. UANI Applauds Passage of Iran-Russia-North Korea Sanctions Bill. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/uani-applauds-passage-of-iran-russia-north-korea-sanctions-bill>.
45. UANI Calls on Rio Tinto to End Its Business with the Iranian Government. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/news/uani-calls-rio-tinto-end-its-business-iranian-government>.

46. UANI Calls on U.S. Lawmakers to Blacklist Iran's Energy Sector in Sanctions Bill. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/uani-calls-us-lawmakers-blacklist-irans-energy-sector-sanctions-bill>.
47. UANI Warns President Trump of Fiat Chrysler's Pursuit of Iran Business. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/press-releases/uani-warns-president-trump-of-fiat-chryslers-pursuit-of-iran-business>.
48. US lawmakers unveil new Iran sanctions bill. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/node/1928>.
49. US lawmakers unveil new Iran sanctions bill. (n.d.). Retrieved from <https://www.unitedagainstnucleariran.com/node/1928>.